

به نام
خالق هستی هدیه
درس دوم
های آسمان

کودکی بر آب

چهارم
فردوسی
میرزا

پرسش و پاسخ های درس ۲ (کودکی بر آب)

پرسش: حضرت موسی که بود؟

پاسخ: یکی از پیامبران خدا بود که خدا او را برای مبارزه با فرعون و هدایت قوم بنی اسرائیل در مصر فرستاد.

پرسش: آسیه که بود و چه درسی به زنان و مردان عالم آموخت؟

پاسخ: آسیه زنی نیکوکار و همسر فرعون بود که به حضرت موسی ایمان آورد و درس ایستادگی در برابر ظلم و ستم و شجاعت و نترسیدن از مبارزه با ستمکاران را به زنان و مردان عالم آموخت.

پرسش: کدام قسمت های درس به پشتیبانی خدا از انسان های خوب اشاره می کند؟

پاسخ: قسمتی که کودک از رود نیل به دست آسیه همسر فرعون نجات می یابد و مادرش دایه ی او می شود.

پرسش: آسیه در مقابل تهدید فرعون چه کرد؟

پاسخ: در ایمان خود استوار ماند و تا آخرین لحظه در مقابل ظلم و ستم او ایستادگی کرد و با شجاعت از دنیا رفت.

ادامه ی پرسش و پاسخ های درس ۲ (کودکی بر آب)

پرسش: خداوند در قرآن آسیه را چگونه معرفی می کند؟

پاسخ: بانویی نیکوکار که الگوی مؤمنان است.

پرسش: باتوجه به درس کودکی بر آب مطالب مرتبط ستون (الف) را به ستون (ب) وصل کنید.

پاسخ: (الف) (ب)



پرسش: اولین کسی که به حضرت موسی (ع) ایمان آورد که بود؟

پاسخ: آسیه

پرسش: حضرت موسی در کدام کشور زندگی می کرد؟

پاسخ: مصر

پرسش: با خواست خدا دایه ی حضرت موسی (ع) چه کسی شد؟

پاسخ: مادرش

پرسش: پادشاه زمان حضرت موسی (ع) چه نام داشت؟

پاسخ: فرعون

کودکی بر آب

سراسیمه از خواب پرید؛ خواب آشفته‌ای دیده بود!
نگران و خشمگین دستور داد تعبیرکنندگان خواب را حاضر کنند؛ خواب خود را برای
آنها تعریف کرد. آنها با ترس گفتند:
«به زودی در این سرزمین پسری به دنیا می‌آید که حکومت شما را به خطر می‌اندازد!»
فریاد فرعون در کاخ پیچید:
«از امروز هر نوزاد پسری که به دنیا آمد، فوراً او را از بین ببرید!»



مادر با مهربانی کودکش را در آغوش فشرد؛ یکبار دیگر او را شیر داد و لباس سفیدش را مرتب کرد. دست‌های کوچک پسرک به سوی مادر دراز شده بود. مادر لبخند غمگینی زد و گونه‌های نرم فرزندش را بوسید. او را از خود جدا کرد و با دلی امیدوار به لطف خدا، درون صندوق خواباند. کودک بی‌گناه باید به سفری پرخطر می‌رفت. قطره‌های اشک از چشمان مادر فرو می‌ریخت.

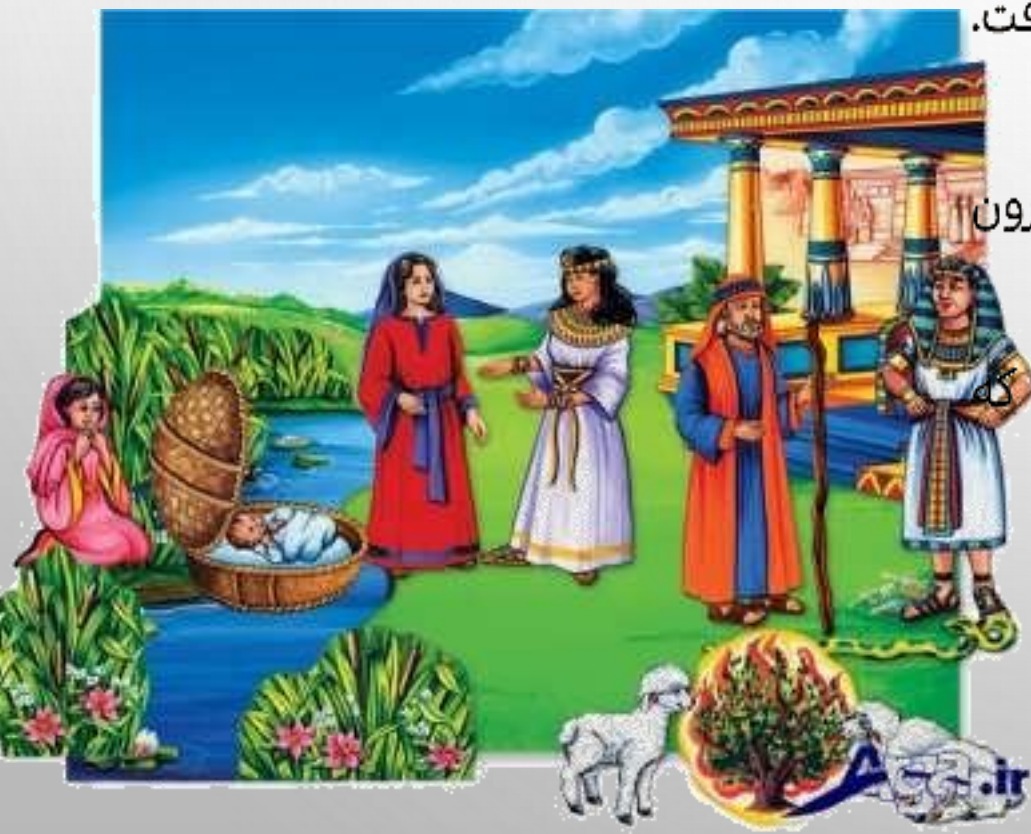


صندوق را برداشت و به آرامی روی آب گذاشت. صندوق، بالا و پایین می شد و در مسیر رود بزرگ نیل به پیش می رفت. مادر رو به دخترش کرد و گفت: «صندوق را دنبال کن و چشم از برادرت برندار!» خواهر موسی اشکهایش را پاک کرد و در طول ساحل به راه افتاد.

فرعون، «پادشاه مصر»، و همسرش، آسیه، در ساحل نیل قدم می زدند. فرعون در میان رودخانه صندوقی را دید که به آرامی بالا و پایین می رفت. صندوق با آب پیش آمد و در نزدیکی او و آسیه در میان گیاهان کنار رود آرام گرفت. به دستور فرعون، چند خدمتکار صندوق را از آب گرفتند.

وقتی صندوق در برابر فرعون و آسیه قرار گرفت، نگاه آنها به کودکی افتاد که درون صندوق دست و پا می زد و به آنها نگاه می کرد.

فرعون فریاد زد: «این کودک اینجا چه می کند! مگر دستور ندادم هر نوزاد پسری که به دنیا می آید، نابود شود؟»





و بعد حرف‌های پیشگویان را با خود مرور کرد ...

و این‌بار بلندتر فریاد زد: «این کودک را هم مانند دیگر کودکان از بین ببرید!»
آسیه که سال‌ها آرزو داشت فرزندی داشته باشد، به آن کودک علاقه‌مند شده بود؛
پس به فرعون رو کرد و با ملایمت گفت:

«این کودک می‌تواند نور چشم من و تو باشد. او را نکش! شاید برای ما سودی
داشته باشد ... شاید بتوانیم او را به فرزندی قبول کنیم!»
فرعون که فرزندی نداشت با شنیدن حرف‌های آسیه به فکر فرو رفت.

نوزاد انگشتش را از دهانش بیرون آورد و صدای گریه‌اش بلند شد.
آسیه کودک را از داخل صندوق برداشت؛ به زن‌هایی که دورش را گرفته بودند، گفت:
«باید زودتر یک نفر را پیدا کنیم تا به این کودک شیر بدهد. دیگر تحملش تمام
شده است!»

مأموران دربار فرعون روانه‌ی شهر شدند تا دایه‌ای برای نوزاد گرسنه پیدا کنند. زن‌های زیادی نزد کودک آمدند اما بی‌فایده بود؛ کودک شیر نمی‌خورد. خواهر کودک که از دور ماجرا را زیر نظر داشت، نزدیک شد و گفت: «می‌خواهید زنی را به شما معرفی کنم که سرپرستی این کودک را به عهده بگیرد و او را شیر بدهد؟» خیلی زود خبر را به آسیه رساندند. آسیه دایه را به دربار دعوت کرد؛ بدون آنکه بداند او مادر نوزاد است.

وقتی کودک در آغوش مادرش جای گرفت، آرام شد. مادر، نوزادش را نوازش کرد؛ اشک شادی را پشت پلک‌هایش نگه داشت و به لطف خداوند فکر کرد؛ خداوند بزرگی که کودکش را در سلامت کامل به او بازگردانده بود.



متن زیر را بخوانید.

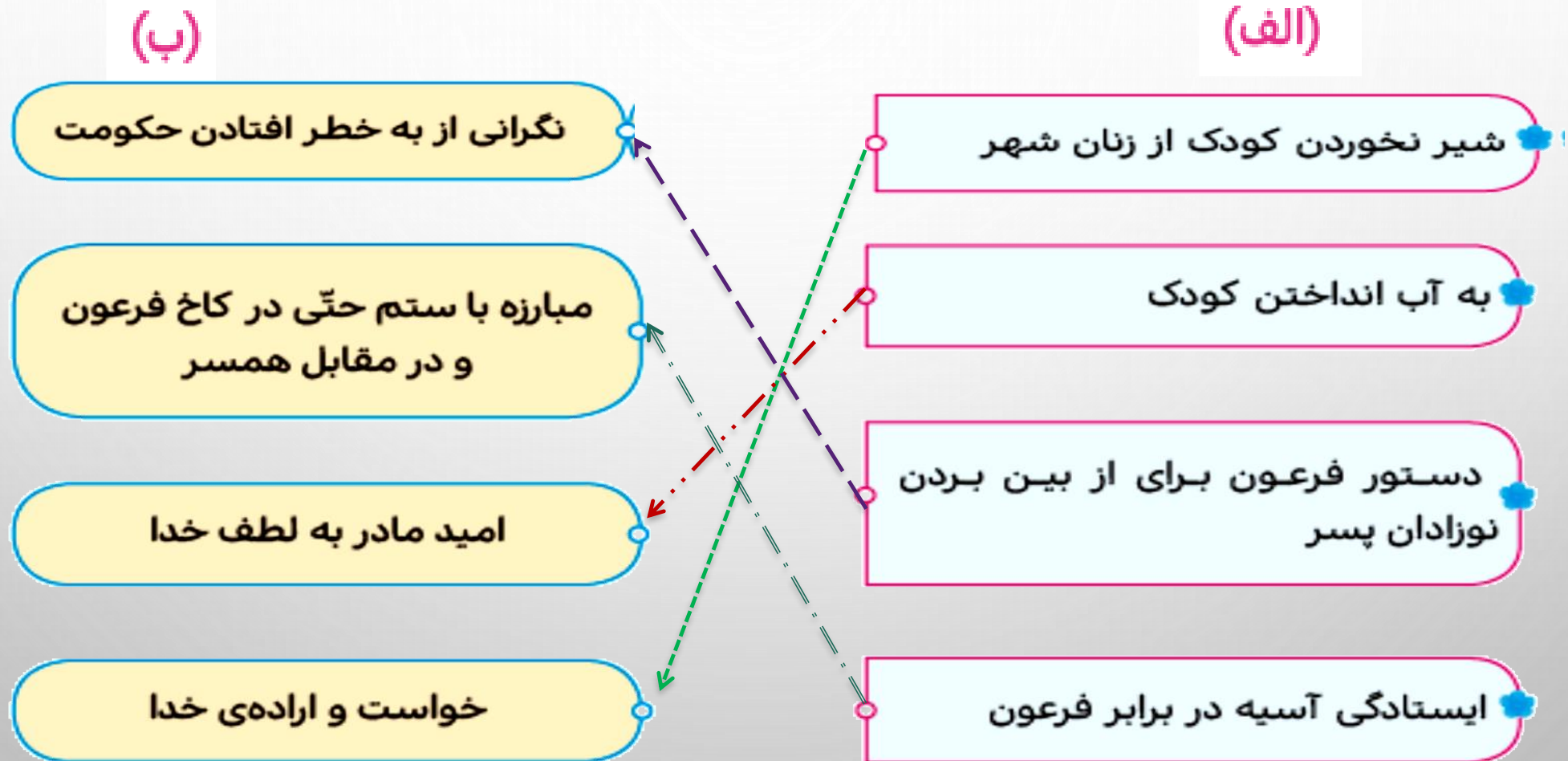
حضرت موسیٰ - علیه السلام - یکی از پیامبران بزرگ است. خدا او را برای مبارزه با فرعون و هدایت قوم بنی اسرائیل فرستاد. وقتی موسیٰ به پیامبری رسید، آسیه به او ایمان آورد. فرعون از شنیدن این خبر خشمگین شد و آسیه را تهدید کرد تا از ایمانش دست بردارد اما آسیه در ایمان خود استوار باقی ماند. این بانوی مؤمن یکی از بهترین زنان عالم است. او تا آخرین نفس در برابر ظلم و ستم فرعون ایستادگی کرد و با شجاعت از دنیا رفت. آسیه به مردان و زنان با ایمان آموخت که از مبارزه با ستمکاران نهراسند. خدا در قرآن این بانوی نیکوکار را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند.



مادر با مهربانی کودکش را در آغوش فشرد؛ یک بار دیگر او را شیر داد و لباس سفیدش را مرتب کرد. دست‌های کوچک پسرک به سوی مادر دراز شده بود. مادر لبخند غمگینی زد و گونه‌های نرم فرزندش را بوسید. او را از خود جدا کرد و با دلی امیدوار به لطف خدا، درون صندوق خواباند. کودک بی‌گناه باید به سفری پرخطر می‌رفت. قطره‌های اشک از چشمان مادر فرو می‌ریخت.



● با توجه به درس و متن صفحه‌ی قبل مشخص کنید هر کدام از مطالب قسمت (الف) با کدام مطلب قسمت (ب) ارتباط دارد.



گفت و گو کنید

خدای مهربان، همیشه و همه جا پشتیبان انسان‌های خوب است. به نظر شما در داستان «کودکی بر آب» کدام بخش‌ها به پشتیبانی خدا از انسان‌های خوب اشاره می‌کند؟



ببین و بگو

کدام تصویر به کدام آیه مربوط است؟ آنها را به ترتیب داستان کودکی حضرت موسی - علیه السلام - مشخص کنید.

سه



دو

نترس و اندوهگین
نباش؛ ما کودک را به تو
باز می گردانیم.
(سوره ی قصص، آیه ی ۷)

یک



یک

برادرت را دنبال کن و
چشم از او برندار!
(سوره ی قصص، آیه ی ۱۱)

دو



سه

این کودک می تواند نور
چشم من و تو باشد.
او را نکش.
(سوره ی قصص، آیه ی ۹)

این تصویرها بخش‌هایی از زندگی حضرت موسی - علیه السلام - را نشان می‌دهد. داستان آنها را با هم بیافزایید.



رودها از خود نه طغیان می‌کنند آنچه می‌گوییم ما، آن می‌کنند
ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم

پروین اعتصامی